



## Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

قطعهنامه کنفرانس

### عواقب تجاوز نظامی امریکا به افغانستان

۹ اکتوبر ۲۰۲۱، هالنډ

فدراسيون سازمانهای افغانهای مقیم اروپا (فارو) کنفرانس "عواقب تجاوز نظامی امریکا به افغانستان" را بتاريخ ۹ اکتوبر ۲۰۲۱ بصورت آنلاین برگزار کرد. درین کنفرانس شخصیت‌های مستقل و نماینده‌های سازمان‌های افغانهای مقیم اروپا اشتراک داشتند. پس از استماع سخنرانی‌ها پیرامون پیش زمینه تجاوز، انکشافات بعد از سقوط طالبان، پیشرفت‌ها در ساحات حقوقی و اجتماعی و عوامل شکست امریکا و ناتو این قطعهنامه در سه بخش در تفاهم با اشتراک کننده‌ها صادر گردید:

#### الف: تحلیل وضعیت

۱. به نظر می‌رسد افغانستان و افغان‌ها یکبار دیگر قربانی بازی‌های بزرگ سیاسی و استراتژیک جهانی می‌شوند.
۲. متأسفانه سیاست تداوم جنگ‌های نیابتی کشورهای منطقه و فرامنطقه، هنوز با همان قوت و پوتانسیل منازعه آفرینی، باقیست.
۳. بهانه جنگ با تروریسم نه تنها سبب محور ترور و تروریسم نشد که حتی باعث تقویت تندروی، اقتیدن جوانان به دام بنیاد گرایی، تولید خشونت بیشتر و تقویت گروه‌های بنیاد گرای جنگی منطقی گردید.
۴. حضور بیست ساله امریکا و ناتو در منطقه بیشتر زمینه ساز استفاده از گروه‌های نیابتی شد که در فرجام گرداندگان جنگ‌های نیابتی را برنده، قهرمان و بی‌باکتر ساخت.
۵. مداخلات مستقیم امریکا و غرب، به خصوص صدور به اصطلاح تکنوکراسی غرب زده، سبب شد تا این مهره‌ها فساد و حاکمیت فاسد بیافریند و سرنوشت کشور به چنین مصیبتی سردچار کنند.
۶. فساد گسترده در نظام و رشد و حمایت از فرهنگ معافیت در کشور، نظام لرزان شکل گرفته در بیست سال گذشته را به پرتگاهی که با چنین سرنوشتی گرفتار آمد.
۷. غربی‌ها به خصوص امریکا، با وجود داشتن قرار داد امنیتی و استراتژیک با افغانستان، برخلاف مفاد این قرارداد به امضای تفاهم‌نامه دوحه با طالبان پرداختند. این امر در واقع پشت پازدن به ارزش‌هایی شد که خود مدعی آن بودند. این تفاهم‌نامه در واقع زمام امور را حسب دلخواه به طالبان واگذار کرد.

#### ب: وضعیت کنونی و تدابیر مورد نیاز:

۱. همه طرف‌های ذیدخل در مسایل افغانستان باور دارند که کشور با فاجعه فقر و قحطی شدید روبروست. هر نوع تعلل درین مقطع، سبب خواهد شد فاجعه بزرگ انسانی در کشور اتفاق بیافتد که همه مسئول آن خواهند بود.
۲. مردم با شناختی که از عملکرد طالبان دارند، در بی‌باوری نسبت به نظام طالبانی و حاکمیت آنان و همچنان صداقت کشورهای کمک کننده قرار دارند. از میان برداشتن این بی‌باوری نیاز به عملکرد انسانی و صادقانه؛ و همچنان بازنگری به سیاست‌های نادرست گذشته دارد. این امر فقط با تعهدات جهانی و چندین جانبه میسر خواهد بود.
۳. سرنوشت اقلیت‌های مذهبی، زبانی و قومی با در نظر داشت سیاست‌های تندروانه و تنگ‌نظرانه طالبان در قبال اقلیت‌های مذهبی، زبانی و قومی، با تهدیدهای شدید و حتی با فاجعه‌های غیر قابل پیش‌بینی جنایت علیه بشریت روبروست. درین مورد اقدامات پیشگیرانه و همه جانبه و مشترک جهانی نیاز است.

۴. افغانستان بیشتر از هر زمان دیگر به ایجاد جنبش‌های سیاسی ملی دموکراتیک نیاز مند است. حمایت از ایجاد این نیروها می‌تواند خلاء نمایندگی سیاسی مردم را در مذاکرات و تعیین سرنوشت سیاسی آنان را بهتر رقم بزند.
۵. طالبان با نقص صریح حقوق بشری و محروم ساختن زنان و کودکان از حقوق بنیادی آنان، فاجعه آفریده اند. محرومیت زنان و دختران از کار و تحصیل سبب خواهد شد که کشور سریعتر به پرتگاه فقر و درماندگی اجتماعی فرو رود. این امر با تمامی تدابیر لازم باید جلوگیری شود.

### ج: سرنوشت مردم و کشور:

۱. تجربه پنجاهه جنگ گذشته نشان می‌دهد که کشور نیازمند تغییر بنیادی در ساختار سیاسی-اقتدار است. رجوع پس از کنفرانس بن و اخیراً طالبان به قانون اساسی دهه دموکراسی یا مشروطیت (۱۳۴۳ برابر ۱۹۶۴)، دلیل این ادعاست. نیاز است طرف‌ها برای رسیدن به صلح و حفظ تمامیت ارضی کشور، ساختار و چهارچوب اقتدار را از نو تعریف کنند.
۲. تجربه‌های پنج دهه گذشته همچنان نشان می‌دهند که مردم خواستار نظام مشروع و برخوردار از اراده ملت و آرای مردم اند. این مشروعیت باید همه شمول و قابل اعتماد بوده و با ساختارهای قابل اعتماد تسجیل گردد.
۳. مردم افغانستان به خدمات رفاهی نیازمند اند. ایجاد جنبش‌های اجتماعی در بیست سال گذشته سرشار از تبارز خواست مردم به رفاه است. رفاه در کشور زمانی میسر است که نظام قانونمند استوار بر عدالت و برابری شهروندی حاکم گردد.
۴. جیوپولتیک و جیواکانومی افغانستان هنوز با همان قوت قبل از جنگ سرد در دهه ۸۰ قرن گذشته باقیست. هنوز تشدید ناامنی و دوام جنگ درین منطقه تمامی جهان را به خطر می‌افکند. نیاز است نه تنها برای پایان دادن به جنگ تدابیر اتخاذ شود که برای جبران اشتباهات بیست سال گذشته؛ تمامی کشورهای جهان برای توسعه و امنیت افغانستان به رهبری خود افغان‌ها سرمایه گذاری کنند. این سرمایه گذاری بایست با تفاهم همه جانبه اهداف استراتژیک انکشاف جهانی و اشتراک کشورهای منطقه در برنامه، هماهنگ گردد.
۵. تاریخ گواه است که درین سرزمین هیچ حاکمیت استبدادی و تحت‌الحمایه نتوانسته است دوام یابد. هر نوع پافشاری برای تصاحب و تکتازی در قدرت سبب ایستادگی مردم و دوام جنگ خواهد شد. لازم است کشورهای منطقه، قبل از آنکه شعله‌های این جنگ دامن‌های خودشان را بسوزاند، برای پایان دادن این جنگ در کنار مردم افغانستان قرار گیرند.

فدراسیون سازمان های  
افغانهای مقیم اروپا (فارو)